

بسوی اتحادیه انجمنهای فرهنگی- اجتماعی ایرانی اروپایی

بنیاد|"خانه انجمنهای ایرانیان اروپایی" یکی از دل مشغولی های انجمن سیلان بوده است ، که در هر فرصتی با فعالین فرهنگی و مسئولین انجمنهای فرهنگی - اجتماعی در فرانسه مطرح نموده ایم.. در ششماه اخیر تماسهایی داشته ایم از بلژیک و سوئد که طی آن دوستان نیز بر لزوم چنین نهادی پافشاری میکردند: در بلژیک نهاد مشابهی اعلام وجود کرده است . اما اتحادیه انجمنهای سوئد و ما بر تدارک یک نشست عمومی تاکید داشتیم بود(مسلماً دوستان بلژیک نیز در تدارک شرکت خواند داشت). نوشتاری را که خواهید خواند در همین راستا تنظیم گردیده است.

یکربع قرن پیش زمانی که بسیاری از ما میهنمان را ترک کردیم ، هرگز نمی اندیشیدیم که سکونتمان در کشور های بیگانه چندان بدرازا بکشد، که فرزندان و نوادگانمان جامعه میزبان را کشور خود بدانند . امروز بیش از یک میلیون خانواده ایرانی در دنیا پراکنده اند و بسیاری از آنان هرگز به ایران - برای اقامت دائم - باز نخواهند گشت . آنها ایران را خانه پدری خود میدانند و نه میهن خود.

نخستین نسل ما بدلیل وابستگی عاطفی اش به ایران، در نهانخانه وجودش همواره در حسرت بازگشت به خانه میسوخت و کوشش برای یافتن جایگاهی در جامعه میزبان تمام انرژیش را میبلعید و فرصتی برای اندیشیدن به آینده جمعی نسل جوانش را نداشت. اما اکنون می توان گفت که کوششهای اولیه به نتیجه رسیده و بیشتر مهاجران ایرانی از نظر فردی موفقیت مناسبی یافته اند. و در عین حال توانسته اند چهره مخدوش شده ایرانی را تا حدود زیادی بهبود بخشند. با این حال جایگاه اجتماعی جامعه ایرانی ساکن اروپا بهیچوجه با توان فرهنگی- اجتماعی آن خوانایی ندارد. امروز زمان آن فرا رسیده است تا این توانایی های فردی در شبکه ای بهم پیوسته عامل مهمی در زندگی امروز ما و هم در تدارک زندگی بهتر برای فرزندانمان باشد.

در حقیقت افراد هر جامعه از کانالها و راههای مختلفی به اجتماع وارد میشوند. خانواده ، انجمنها ، سندیکا و احزاب و... هر یک از این کانالها، نردبانی است که فرد را برای رسیدن به جایگاه بهتر اجتماعی رهنمون میسازد.. روشن است که در جامعه میزبان ما از بسیاری از این کانالها محروم هستیم، اولین و مهمترین آن همان روابط خانوادگی است که فرد را بطور "طبیعی" وارد اجتماع میکند. این کمبود باضافه بسیاری از مشکلات ویژه شهروندان خارجی نسب ما را در مقابل همردیفهای اجتماعیمان در جامعه میزبان در جایگاهی دست پایین تر قرار میدهد. ایجاد شبکه ای بر بنیاد فرهنگ مشترک میتواند تا حدودی این کمبود را جبران نماید و استعداد های جوانان ما را شکوفا تر نماید. از سوی دیگر ایرانیان ساکن اروپا تا کنون قربانی سیاستهای غرب ستیزانه حکومت ایران و واکنشهای دشمنانه حکومتهای اروپایی بوده اند. در حالیکه اکثر قریب باتفاق ایرانیان اروپا ، مردمی با فرهنگ ، صلحدوست و با توانایی های فراوان برای خدمت بجامعه میزبانیشان میباشدند. تشکل انجمنهای فرهنگی ایرانی اروپایی میباید بیان این واقعیت اجتماعی باشد.

تجربه دیگر مهاجرین در اروپا نمایانگر این است که نسل دوم و سوم همواره مشکل هویتی روبرو هستند. ما نیز در معرض این خطر قرار داریم: خاطرات دردناک اجتماعی و سیاسی نسل نخست تا نسلهای آینده بر حافظه جمعی ما سنگینی خواهد کرد . از دیگر سوی مشکلات اجتماعی و اقتصادی جوامع اروپایی و گاه تبعیضات قومی و نژادی ذهن جوانان ما را شکننده و حساس میکند آنها در معرض نا امنی های روانی ، تنهایی، از خود بیگانگی و در نتیجه مستعد گرایش به ایده های مخرب هستند آنها در واکنش به شرایط سیاسی ایران ، آمادگی پذیرش ایده های ضد عرب و ضد اسلامی دارند. عده ای از جوانان ما هم اکنون از همسن و سالهای اروپاییشان در نژاد پرستی پر و پا قرص تر هستند از سوی دیگر تبعیضات قومی نیز دشمنی با جامعه میزبان را تقویت میکند . بهر صورت هر یک از این ایده ها - یا ملقمه از آنها- موجب نابسامانی های روانی نا سازگاری با جامعه میگردد. بنابر این وظیفه نسل نخست مهاجرین است تا بمد تجربه امکاناتی فراهم نمایند تا فرزندانمان که محصول دو فرهنگ پر بار ایرانی و اروپایی هستند بتوانند برای خود هویتی مثبت ، خود اندیش و کارا داشته باشند. فرهنگ بارور ما مصالح لازم و کافی در اختیار دارد تا با کمک آن بتوان با حفظ اسقلال هویت فردی و گروهی، در صلح و صفا با دیگران همزیستی نمود. ما احتیاج نداریم هویتمان را در ضدیت با دیگری کسب نماییم. در فرهنگ ایرانی توانایی سازش با دیگران بحد فراوان(گاهها بیش از حد؟) وجود داشته است: طی قرن ها ده ها قوم و قبیله بیابانگرد بر ایرانزمین حاکمیت داشته اند. اگر ما نتوانسته ایم آنها را بزور شمشیر برانیم، اما نتوانسته ایم آنها را در خود مستحیل کنیم. این دستاورد تاریخ ماست و ما نیز فرزندان آن مرز و بوم هستیم. از سوی دیگر پایگاه اجتماعی مهاجران ما ، در نسبت بسیار بالایی از میان اقشار فرهیخته شهری است و از این منظر با اغلب مهاجران اقتصادی در اروپا تفاوتی اساسی دارند. و میتوانند الگوی مناسبی برای همزیستی اجتماعی

فرهنگهای گوناگون در اروپا باشند. بنا بر این سازماندهی جامعه ایرانیان مقیم اروپا میتواند هم برای ما و نسل آینده مان مفید باشد و هم برای جوامع میزبانمان. کاربرد این شبکه سازمان یافته نگهبانی از هویت فرهنگی ما و وسیله ای برای شهروندی کار ساز تر ما در اروپا خواهد بود. جوامع اروپایی نیز باین نکته پی برده اند که لازمه گفتگوی سالم و دموکراتیک، وجود تشکلهای انسانی در زمینه های متفاوت است.

نکته دیگری نیز لزوم چنین تشکلی را دو چندان مینماید: در غیاب نمایندگان واقعی مهاجران ایرانی، میدان برای نمایندگان دروغین خالی میماند. همچنان که سالهاست عده ای در غربت لاف میزنند، بویژه اینکه آنها اغلب از امکانات وسیعی نیز برخوردارند و توسط انجمنهای پوشالی و سایتهای پر زرق و برق خود را نمایندگان مهاجران ایرانی میخوانند.

با این مقدمه، میتوان اهداف انجمن را بدین شکل دسته بندی نمود.

- اتحادیه با هدف همیاری میان ایرانیان ساکن اروپا و همزیستی با گروه های اجتماعی دیگر بنیاد گرفته و ارتباط آن با دولتهای اروپایی و هر حکومتی در ایران بر راستای نوع برخورد آنها به ایرانیان ساکن اروپا و همچنین به هموطنان داخل کشور خواهد بود.

- اتحادیه بر پایه همزیستی فرهنگی پا گرفته و چهار چوب کلی کار انرا قوانین جهانشمول حقوق بشر تعیین مینماید اتحادیه مدافع آزادی های فردی و اجتماعی بوده و هیچگونه ایده نژادپرستانه، سکسیست و فرقه گرایی را در درون خود نمی پذیرد. نه ضدیت با دین و نه تبلیغ دینی در چهار چوب کار اتحادیه نخواهد بود.

- پاسخ گویی به نیاز های ویژه ایرانیان: کلاس زبان فارسی برای کودکان، تهیه امکانات فرهنگی و اجتماعی برای جوانان، ایجاد کلوپها متنوع برای افراد مسن تر.

- یافتن راهکارهایی بمنظور کمک بجوانان برای امیزش بهتر با جامعه میزبان

- ایجاد نهاد های انتخابی واقعی برای ارتباط با ارگانهای جامعه میزبان.

- توسعه گفتگو میان گروه های اجتماعی متفاوت

- همیاری با هنرمندان، نویسندگان، پژوهشگران دوستدار فرهنگ ایران برای معرفی گسترده تر کار های آنها.

- کمک به نهاد های فرهنگی اعم از بنگاههای انتشاراتی، موسسات تحقیقاتی، نشریات ایرانی - اروپایی. ایجاد یک نشریه پارسی زبان در سطح اروپا میتواند در زمینه پیشبرد هدفهای انجمن بسیار مفید باشد.

- و مهمتر از هر چیز تهیه سیستم آموزشی برای کودکان، جوانان و اروپائینی که علاقمند به یاد گیری زبان پارسی میباشند.

راهکار های پیشنهادی برای ایجاد اتحادیه سراسری

از آنجا که اتحادیه میخواد بیانگر خواستههای جامعه ایرانیان اروپا باشد ابتدا میباید انجمنهای فرهنگی و اجتماعی ساکن هر کشوری در فدراسیونی گرد هم آیند.

-- کمک به تشکیل انجمنها توسط دستداران فرهنگ ایران میباشد.

تدارک نشست عمومی برای تشکیل یک اتحادیه سراسری در اروپا.

-- انجمنهای محلی از ایرانیان و دیگر دستداران فرهنگ ایران تشکیل گردد تا از همان ابتدا پیوند ارگانیک با جامعه میزبان مستکم گردد و از گرایشات فرقه ای پرهیز شود.

تدارک نشست موسس فدراسیون هر کشور:

- بحث و گفتگو در سطح انجمنهای محلی بمظور تدوین نظرات و پیشنهادات.

-- انتقال دیدگاههای متنوع از کانال پایگاههای اینترنتی و نشریات موجود در اروپا.

دعوت از انجمنهای فرهنگی- اجتماعی در سطح هر کشور برای تعیین اهداف و اساسنامه و انتخاب گروه گردانندگان.

در رابطه با تشکیل انجمنهای فرهنگی - اجتماعی در فرانسه پیشنهاد میشود که این روند را با همکاری در اجرای چند پروژه همراه سازیم:

- برگزاری سمیناری در زمینه رابطه فرانسه و ایران (تاریخی، فرهنگی، هنری، علمی، دیپلماتیک و

-- بزرگداشت کوشندگان فرهنگی ایرانی و فرانسوی آقای شفا، خانم ناطقو و بلایی.....

- کوشش برای برسمیت شناختن جشن نوروز از سوی مقامات مسئول

-- ایجاد یک سیستم انترنتی برای آموزش زبان پارسی با کمک اهل فن.